

ای دستان، دستان!

~~دستان~~

منتظر باش

من با نور ستارگان

با نفس نوزادان

بر میگردم

و استیجای بام را

بر خاک یادگار میگذارم

من آن هنرمندم

که با سر راه بروم

تنها جاه بام را یادگار میگذارم

تا رنگدازان ببینند

که راست رو بودم

و هیچ گاه ز لرزه ای

ز انوم راه لرزه نیاورد

ای دستان، دستان

~~دستان~~

من در محراب سکته میخورم و اینم

اینجا میگذارم

که خیر این ارتفاعم برام

x x x

۱۳۷۱

~~۱۳۷۱~~
~~۱۹۹۲~~